

عنوان مقاله:

بحثی مذهبی - فلسفی در خصوص جرائم منافی عفت عمومی

محل انتشار:

پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

رضا فانی - استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

خلاصه مقاله:

اعمال منافی عفت و اخلاق عمومی از جمله جرائمی هستند که قانون گذار در سال های قبل و بعد از انقلاب اقدام به جرم انگاری آنها نموده است. اما تعریف و قلمرو دقیقی از این جرائم، نه در قانون و نه در فقه، ارائه نشده و فقط مصادیقی از این جرایم ذکر گردیده که همگی محدود به جرایم جنسی میباشد؛ در حالیکه رفتارهای متعددی در جامعه شکل می گیرد که اغلب آنها باعث جریحه دار شدن عفت عمومی گردیده و هیچکدام در قلمرو این جرایم جرم انگاری نشده است. توجه به نظریات پستمدرنیست در این خصوص می تواند راه گشا باشد. ظهور مدرنیته، ایمان به پیامبر عقل و خرد به جای پیامبر آسمانی دوران پیشامدرن، تنزل از آسمان مابعدالطبیعه به زمین تجربه و آزمایش و مرکز قرار دادن سوژه نسبت به موضوع را به همراه داشت. چنین رویکردی به تدریج در همه علوم نفوذ کرد و جرم شناسی نیز بی نصیب از دستاوردهای آن نبود. رویکرد تحقیقی یا اثبات گرای موجود در علوم طبیعی، تولد جرم شناسی را نیز به عنوان علمی که به چرایی پدیده مجرمانه می پردازد، به ارمغان آورد. یکی از مهمترین تفاوت ها میان عصر مدرنیته و پست مدرن به مساله ی یکپارچگی، کلیت و تمامیت مربوط می شود از منظر غالب نظریه های پست مدرن، ما امکان پذیری تمامیت را در زندگی خود از دست داده ایم، دیگر به آن اهمیت نمیدهیم. همه این نظریه پردازان پست مدرن به این یورش علیه تمامیت نپیوستند. شناخته شده ترین نظریه پردازانی که هنوز صحبت پیرامون تمامیت را ارزشمند مییابد فردریک جیمسون است. نگارنده در این مقاله، که به روش توصیفی-تحلیلی و بنیادین انجام گرفته، سعی در تبیین مفهوم جدید از قلمرو نظری و فکری جرائم عفت عمومی، اعم از مفهوم شناسی، و علت شناسی با رویکردی به نظریه فردریک جیمسون ارائه داده است.

کلمات کلیدی:

جرم، عفت عمومی، اسلام، پست مدرن، مجازات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1011204>

